

نَحْنُ وَسِیْلَتُهُ فِی خَلْقِهِ وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَخْلُ قُدْسِیهِ وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِی غَیْبِهِ وَ نَحْنُ وَرَثَةُ اَنْبِیَائِهِ.

ما اهل بیت پیامبرﷺ، وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم و ما برگزیدگان پاک و مقدّس پروردگار می‌باشیم و ما حجتّ و راهنما خواهیم بود و ما وارثان پیامبران الهی هستیم .

شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدیج، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

نقش سردار سلیمانی در تقویت محور مقاومت در منطقه و مقابله با شرارت آمریکا

گفت‌وگو با مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس

حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت اهل خشت استان فارس است. در دوران جنگ تحمیلی، در کنار زمیندگان کرمانی بود و از همانجا با حاج قاسم سلیمانی آشنا می‌شود. این آشنایی که از سال ۶۱ شکل گرفت، تا آخرین روزهای حیات سردار سلیمانی ادامه یافت. وی در دوران جنگ تحمیلی، مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در لشکر ۴۱ ثارالله و سپاه استان کرمان بود. از سال ۷۹ تا پایان دهه هشتاد نیز مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس سپاه شد و پس از آن، تاکنون همچنان در آن نیرو مشغول به فعالیت است. وی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، به چگونگی آشنایی خود با سردار سلیمانی و نقش حاج قاسم در اتفاقات افغانستان و عراق و مقابله با آمریکا پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

■ در ابتدا بفرمایید که شما از چه زمانی با سردار سلیمانی آشنا شدید و همراهی‌ها و همکاری‌های شما در سه چهار دهه گذشته به چه صورت بوده‌است؟

● مبدأ آشنایی بنده با حاج قاسم، در جنگ و دفاع مقدس است. من قبل از ورود به سپاه پاسداران، به‌صورت بسیجی و نیروی تبلیغی در جبهه‌ها حضور یافتم. در یکی از سفرها که مربوط به سال ۶۱ است، به لشکر ۴۱ ثارالله رفتم و در آن سفر با حاج قاسم آشنا شدم.

بنده پس از آنکه وارد سپاه پاسداران شدم، مسئول عقیدتی و نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه منطقه شش (استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان) شدم. این منطقه در جبهه‌های جنگ دو یگان رزم داشت که یکی لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی و دیگری تیپ زرهی ذوالفقار به فرماندهی حمید عرب‌نژاد (مدیرعامل کنونی شرکت هواپیمایی ماهان) بود؛ البته پس از مدتی سپاه‌های منطقه‌ای منحل و سپاه‌های استانی مورد توجه قرار گرفت.

بنابراین سپاه منطقه شش و سپاه استان کرمان به‌لحاظ ساختاری با لشکر ثارالله مرتبط بود و بنده در آن زمان، همکاری‌هایی با حاج قاسم داشتم. پس از مدتی و در سال ۶۴ در لشکر۴۱ ثارالله واحد نمایندگی ولی‌فقیه ایجاد شد و بنده با حکم شهید آیت‌الله محلاتی نماینده حضرت امام ^(ع) در سپاه، مسئول آن واحد شدم و طی مراسمی به‌طور رسمی به مسئولیت نمایندگی ولی‌فقیه در لشکر ثارالله معرفی شدم. در آن مدت من مدام بین سپاه استان کرمان و مقرهای لشکر ثارالله در جبهه‌های جنگ در رفت و آمد بودم. در این رفت و آمدها تعاملات، موانسات و جلسات بسیاری با حاج قاسم داشتم.

پس از پایان جنگ تحمیلی، وقعه‌ای در همکاری من با حاج قاسم پیش آمد و در سال ۷۹، سه سال پس از انتخاب سردار سلیمانی به‌عنوان فرماندهی نیروی قدس سپاه، به آن مجموعه پیوستم و مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در این نیرو شدم.

■ در دورانی که سردار سلیمانی فرمانده قرارگاه نیروی زمینی سپاه در جنوب‌شرق کشور بود، شما در کرمان حضور نداشتید؟

● پس از پایان جنگ تحمیلی، به نیروی دریایی سپاه رفتم و مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در آن نیرو شدم. در مدت ده سالی هم که آنجا بودم، با حاج قاسم ارتباط داشتم. من با ایشان انسی پیدا کرده بودم که آن انس، مانع از قطع ارتباط ما می‌شد. ایشان هرگاه برنامه‌ای تبلیغی داشتند، بنده را دعوت می‌کردند و در جمع پاسداران و بسیجیان لشکر۴۱ ثارالله کرمان حضور پیدا می‌کردم. بالاخره آن انس موجب شده بود تا از یکدیگر بی‌خبر نباشیم.

■ شما تا چه زمانی مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس سپاه بودید؟

● بنده در سال ۹۰ از مسئولیت نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس تودیع شدم؛ اما حاج قاسم از بنده خواستند، در نیرو بمانم و در مسئولیت دیگری مشغول به‌کار شوم. ایشان در این رابطه نامه‌ای نیز به رهبر انقلاب نوشتند و درخواست کردند تا بنده به‌منظور انجام امور فرهنگی و دینی در نیروی قدس باقی بمانم که رهبری نیز موافقت فرمودند.

پس از شهادت حاج قاسم نیز، سردار قانّی درخواست کردند که در این نیرو بمانم و همچنان در مسئولیت سابق خود مشغول به‌کار هستم.

■ حضور شما در نیروی قدس سپاه همزمان با حمله آمریکا به افغانستان است. نقش سردار سلیمانی در مقابله با آمریکا در آن برهه چه بود؟

● در آن وضعیت اگر دست روی دست می‌گذاشتیم و تماشاگر می‌شدیم، آمریکا بر افغانستان سلطه کامل پیدا می‌کرد و خطرانی را متوجه مرزهای ما می‌ساخت. بنابراین حاج قاسم به‌باری مردم مظلوم افغانستان شتافت و اجازه نداد که آمریکا به‌طور کامل بر افغانستان تسلط پیدا کند. ایشان در این راستا به افغانستان سفر کرد تا نیروهای هم‌سو را سامان دهد. حاج قاسم با نیروهای جبهه شمال که در رأس آن‌ها احمدشاه مسعود بود و شامل نیروهای مارشال فهیم، ربانی و… می‌شد و در پنجشیر حضور داشتند، دیدار کرد؛ اما متأسفانه آن‌ها در ابتدا حالت انفعال داشتند و منتظر بودند که ببینند، چه اتفاقی رخ می‌دهد. سردار سلیمانی آن‌ها را متوجه ساخت که اگر آمریکایی‌ها بر افغانستان تسلط پیدا کنند، دیگر کاری نمی‌توانند بکنند، از این‌رو از آن‌ها خواست تا به کابل بروند و با نیروهایشان در وزارتخانه‌ها و ادارات مستقر شوند. جمله کلیدی حاج قاسم این بود که «سرنوشت در کابل و نه در پنجشیر مشخص خواهد شد.»

<div>سخن بزرگان</div>
<div><div> </div><div>امام خمینی^{علیه‌السلام}</div></div>

فاطمه‌زهرا <small>علیها‌السلام</small> زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشد. معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های مُلکی و ناسوتی- همه- در این موجود مجتمع است. زنی که در جهره‌ای کوچک و محقر، انسان‌هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می‌درخشند.
<div><div> </div><div>صحیفه امام <small>علیه‌السلام</small></div></div>



را سرنگون کنند. حضور آمریکایی‌ها در شرق و غرب ایران، تهدیدی جدی برای کشورمان به حساب می‌آمد. سردار سلیمانی در این باره زمانی چه اقداماتی برای مقابله با آمریکایی‌ها و دور کردن تهدید و خطر از ایران انجام داد؟

● زمزمه حمله آمریکا به عراق که پیش آمد، حاج قاسم جلسات بسیاری با مجاهدین عراقی برگزار کرد که بنده در برخی از آن جلسات حضور داشتم. موضوع آن جلسات این بود که «اگر آمریکایی‌ها به عراق حمله کردند و وارد این کشور شدند، چه خواهد شد و چه باید کرد؟» برخی معتقد بودند که باید دست در دست آمریکایی‌ها داد و برای سقوط صدام با آن‌ها همکاری کرد؛ اما حاج قاسم معتقد به همکاری با آمریکا نبود و می‌گفت: باید تهدید به وجودآمده را به فرصت تبدیل کنیم. آمریکا برای حاج قاسم خط قرمز بود و می‌گفت: ما هیچ‌گاه نباید با آمریکایی‌ها همراهی داشته باشیم لذا سردار سلیمانی همراهی با آمریکا برای سقوط صدام را از چانه بیرون آمدن و به چاه افتادن می‌دانست.

برخی از افرادی که در آن جلسات حضور داشتند، با حاج قاسم مخالفت کردند و گفتند: شما نمی‌دانید که صدام چه بلایی بر سر ملت عراق آورده است و هرکس که بخواهد صدام را سرنگون کند، با او همکاری خواهیم کرد. حتی یکی از آن‌ها گفت: «اگر شمر هم بخواهد صدام را سرنگون کند، با او همکاری خواهیم کرد» که حاج قاسم برآشفتم و گفتم: «آن کس که بخواهد با شمر همکاری کند، خودش هم شمر خواهد شد.»

به هر ترتیب حاج قاسم، مجاهدین عراقی را متقاعد ساخت تا با آمریکایی‌ها همکاری نداشته باشند. حاج قاسم آمریکا را دشمن اصلی می‌دانست و تا آخر هیچ‌گاه نگاه مهر به آمریکا نداشت بلکه قهری بود. آمریکایی‌ها هر جا که پا گذاشتند، حاج قاسم در مقابل آن‌ها بود. مرجعیت عالی شیعه در عراق نیز این نگاه را داشت و حاج قاسم با آنان هماهنگ بود. آیت‌الله‌العظمی سیستانی معتقد بودند که نباید با آمریکایی‌ها همکاری کرد و س‌ریک سفره نشست. احمد چلبی از سیاسیون فعال و شیعی عراق بود که دیدگاه‌های سکولاری نیز داشت؛ اما با این وجود مورد احترام حضرت آیت‌الله سیستانی و سردار سلیمانی بود که البته در پایان گرایش مذهبی یافت و عاقبت به‌خیر شد. بوش به عراق سفر کرد و از چلبی خواست تا به دیدارش برود. بوش که می‌دانست، ارتباط چلبی با حضرت آیت‌الله سیستانی خوب است، از او خواست، تا به دیدار حضرت آیت‌الله سیستانی برود، ساهش را ابلاغ کند و از او بخواهد تا برای گفت‌وگو در مورد عراق شیعیان دیداری داشته باشند.

■ جنگ ۳۳ روزه و پیروزی که جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی به‌دست‌آورد، موجب شد تا نام سردار سلیمانی پیش از گذشته به چشم آید. دلیل موفقیت حاج قاسم در آن جنگ سخت چه بود؟

● حاج قاسم در جنگ ۳۳ روزه نقش محسوس و حضور فیزیکی داشت. این موضوع پنهان نیست و همه اطلاع دازند که حاج قاسم در جریان آن جنگ در لبنان حضور داشت و قدم به قدم، همراه با نیروهای حزب‌الله لبنان بود و در کنار سیدحسن نصرالله و عماد مغنیه جنگ را مدیریت و فرماندهی کرد.

حضور سردار سلیمانی به‌عنوان سرباز و نماینده رهبر معظم انقلاب در آن جنگ، به‌حدی اثرگذار و مهم بود که وقتی دبیرکل حزب‌الله لبنان پس از

- سال بیستم
- شماره ۶۹۶
- دوشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰
- صفحه ۲۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly
<div><div> </div><div>صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div></div> <div><div> </div><div>مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: محمدرضا برته</div></div> <div><div> </div><div>سردبیر: رضاعتلی عزیزی</div></div> <div><div> </div><div>با همکاری هیأت تحریریه</div></div> <div><div> </div><div>تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • تماس: ۳۲۹۰۱۵۲۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱</div></div> <div><div> </div><div>نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵</div></div> <div><div> </div><div>پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir</div></div> <div><div> </div><div>پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir</div></div> <div><div> </div><div>امور هنری: سید امیر سجادی</div></div> <div><div> </div><div>کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۱۵</div></div>

عطریار

ای یوسف آخر سوی این یعقوب نابینا بیا

مولوی

ای یوسف آخر سوی این یعقوب نابینا بیا!
ای عیسی پنهان‌شده بر طارم مینا بیا!
از هجر، روزم قیر شد دل چون کمان بدتیر شد
یعقوب مسکین پیر شد ای یوسف برنا بیا!
ای موسی عمران که در سینه چه سینا‌هاست
گاوی خدایی می‌کند از سینه سینا بیا!
رخ زعفران‌رنگ آمدم خم داده چون چنگ آمدم
در گور تن تنگ آمدم ای جان باپهنا بیا!
چشم محمد با نمت واشوق گفته در غمت
زان طره‌ای اندرهمت ای سر ارسلا بیا!
خورشید پیشت چون شفق ای برده از شاهان سبق
ای دیده بینا به حق وی سینه دانا بیا!
ای جان تو و جان‌ها چو تن بی‌جان چه ارزد خود بدن
دل داده‌ام دیر است من تا جان دهم جانا بیا!
تا برده‌ای دل را گرو شد کشت جانم در درو
اول تو ای دردا برو و آخر تو درمانا بیا!
ای تو دوا و چاره‌ام نور دل صدپاره‌ام
اندر دل بیچاره‌ام چون غیر تو شد لا بیا!
پشناختم قدر تو من تا چرخ می‌گوید ز فن
دی بر دلش تیری بزن دی بر سرش خارا بیا!
ای قاب قوس مرتبت وان دولت بامکرمتم
کس نیست شاها محرمتم در قرب او ادنی بیا!
ای خسرو مه‌وش بیا ای خوشتر از صد خوش بیا!
ای آب و ای آتش بیا ای درو ای دریا بیا!
مخدوم جانم شمس دین از جاهت ای روح‌الامین!
تبریز چون عرش مکین از مسجد اقصی بیا!

جنگ با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کرد، در آن دیدار گفت: «من به اینجا امدام تا پیروزی در جنگ ۳۳ روزه را به شما تبریک بگویم؛ چراکه فرمانده میدان شما بودید و اگر شما نبودید، ما این پیروزی را نداشتیم.» مقام معظم رهبری به سردار سلیمانی اجازه دادند که به لبنان برود و در کنار سیدحسن نصرالله در برابر رژیم صهیونیستی بجنگد.

حاج قاسم می‌گفت، در جنگ ۳۳ روزه فشار فوق‌العاده‌ای بر حزب‌الله لبنان وارد شد. یک بار دیدم سیدحسن نصرالله، بغض گلویش را فشرده و این آیه را سوره احزاب را می‌خواند که «إِذْ جَاءَوكُم مِنَ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ أَسْفَلِ مِنْكُمْ وَ إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللِّظُنُونِ».

سردار سلیمانی در حالات معنوی نیز، در کنار رزمندگان حزب‌الله لبنان و سیدحسن نصرالله بود. من در جنگ حالات معنوی فراوانی از حاج قاسم دیدم. آن چیزی که حاج قاسم را در شرایط سخت جنگ حفظ می‌کرد، انگیزش به خدا، توسل به اهل‌بیت ^(ع) و اشک در درگاه الهی بود. وقتی شرایط در جنگ ۳۳ روزه بر رزمندگان سخت شد، رهبر معظم انقلاب به سردار سلیمانی فرمودند که به رزمندگان اسلام بگویید که دعای جوشن صغیر بخوانید. وضعیت به‌گونه‌ای شد که در هر جمعی از رزمندگان حزب‌الله حضور پیدا می‌کردی، مراسم قرائت این دعا برپا بود.

بنابراین از نقش معنوی و عرفانی حاج قاسم در جنگ ۳۳ روزه و آن پیروزی نباید غفلت کرد. در آن دوره یک ستاد پشتیبانی از جنگ در تهران تشکیل شد که مسئولیت امور فرهنگی و پشتیبانی‌های فرهنگی با بنده بود و از این بابت، بنده اطلاع دارم که حاج قاسم چه‌مقدار بر توسل به اهل‌بیت ^(ع) و توکل به خداوند توجه داشتند و دیگران را نیز متوجه این امر مهم می‌ساخت. در نهایت نیز همگان دیدید که ائمه اطهار ^(ع) به کمک رزمندگان حزب‌الله لبنان آمدند و حتماً آن خاطراتی را که سردار سلیمانی از آن جنگ در خصوص عنایت حضرت فاطمه‌زهرا ^(ع) تعریف کرد و بارها از شبکه‌های سیمانیز پخش شد، شنیده‌اید.

■ یکی از ابعاد نظامی‌گری سردار سلیمانی که در مبارزه با داعش بیشتر به چشم آمد، اسلامی جنگیدن بود. این ویژگی چه مؤلفه‌هایی‌داشت؟

● حاج قاسم از دوران دفاع مقدس نگاهش این بود که ما باید بر مبنای ارزش‌های اسلامی با دشمن بجنگیم. او می‌گفت: «دشمن، دشمن است؛ اما نباید به این دلیل که دشمن است، حقوق شرعی‌اش را زیربا بگذاریم و مسائل شرعی را نسبت به او رعایت نکنیم.» توصیه حاج قاسم به نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله در هنگام عملیات‌ها این بود که ارزش‌های اسلامی رعایت شود.

حاج قاسم در برخورد با اشرار در جنوب شرق کشور، برای یکی از اشرار بزرگ آن منطقه امان‌نامه فرستاد. او خودش را تسلیم کرد و حاج قاسم اقدامی خلاف او امان‌نامه انجام نداد و بر سر پایشان ایستاد.

حاج قاسم در برخورد با تکفیری‌ها نیز علی‌رغم آن دزدنگی‌ها و وحشی‌گری‌هایی که آن‌ها داشتند، از مرز عدالت تعدی نکرد. در خصوص اموال مردم نیز، در این مستندها دیدید که ایشان چگونه بر حفظ اموال تأکید داشتند و خودشان هم اگر استفاده‌ای می‌کردند، ما به‌آزای آن را هزینه پرداخت می‌کرد.

سردار سلیمانی مجاهد و عارف بود. نماز شبش حتی در سخت‌ترین شرایط نیز ترک نشد. نیروهایش نیز این‌گونه بودند. غواصان لشکر وقتی خودشان را به آب می‌زدند، در آب نماز شب می‌خواندند. نیمه‌های شب وقتی به حسینیه لشکر می‌رفتی، انگار وقت نماز مغرب و عشاءت.